

### متن پرسش

سلام استاد گرانقدر: بنده فایلهای ده نکته و حدود بیست تا از معاد رو گوش دادم و انصافاً هم نگرشم به بسیاری از موارد عوض شد ولی یک نکته رو دقیق نمی فهمم. در بحث عوالم برزخ و معاد و معاد جسمانی نکته ای که نمیفهمم اینه که توی قرآن و بسیاری از قسمت های نهج البلاغه وقتی از قبر و قیامت صحبت میشه دقیقاً خلقت جسمانی رو ملاک قرار میده! مثلاً نهج البلاغه احوالات مرده رو با پوسیده شدن و کرم خوردگی گوش و چشم بیان میکنه و نگاهش با تعبیری هست که بیشتر به جسم مرده اشاره داره، مثلاً همسایگانی هستید که به دیدار یکدیگر نمیروید..... و یا قرآن دقیقاً نشر و حشر رو شبیه به برپایی زمستان و بهار یا بیرون آمدن از قبرهای خاکی بیان میکنه، و یا درباره آفرینش قیامت به خلقت دوباره سرانگشتان «نسوی بنانه» اشاره میکنه... استاد این امور رو چگونه باید تحلیل کرد؟؟؟ چرا قرآن اشاره مستقیم به تجرد روح نداره و اگه داره راهنمایم کنید؟؟ آیا این سبک بیان قرآن اشاره صریح نیست؟ تعبیر «اذا زلزلت الارض زلزالها» و یا متلاشی شدن کوهها اشاره به چی داره، آیا واقعاً زلزله ای هست که روی زمین خاکی واقع بشه؟؟ این مواردی که گفتم رو نمیتونم رابطه اش رو با نظام «الیه راجعون» بفهمم. با تشکر از وقتی که برای سوالات بی سر و ته من میگذارید. یا علی

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع تا حدّی در جزوه‌ی «نحوه‌ی حیات بدن اُخروی» بررسی شده است. از طرفی واقعاً شخص متوفی به همین بدن خاکی خود نظر دارد و آن نوع احساسی را که حضرت علی «علیه السلام» توصیف می‌کنند، برای انسان‌ها بعد از مرگ قابل احساس است. می‌ماند که جنس جسم برزخی و قیامتی که باید مطابق جنس آن عالمی باشد که در آن حضور می‌یابند. موفق باشید